

# "زندگی به عنوان نامزد امپراطور"



مترجم :

Akane

ویراستار :

₪\_§\_§12

کلینر :

Akane

تایپیست :

Black

کاری از تیم :

Flaxen Guys



@Flaxen\_Guys



@Flaxen\_Guys

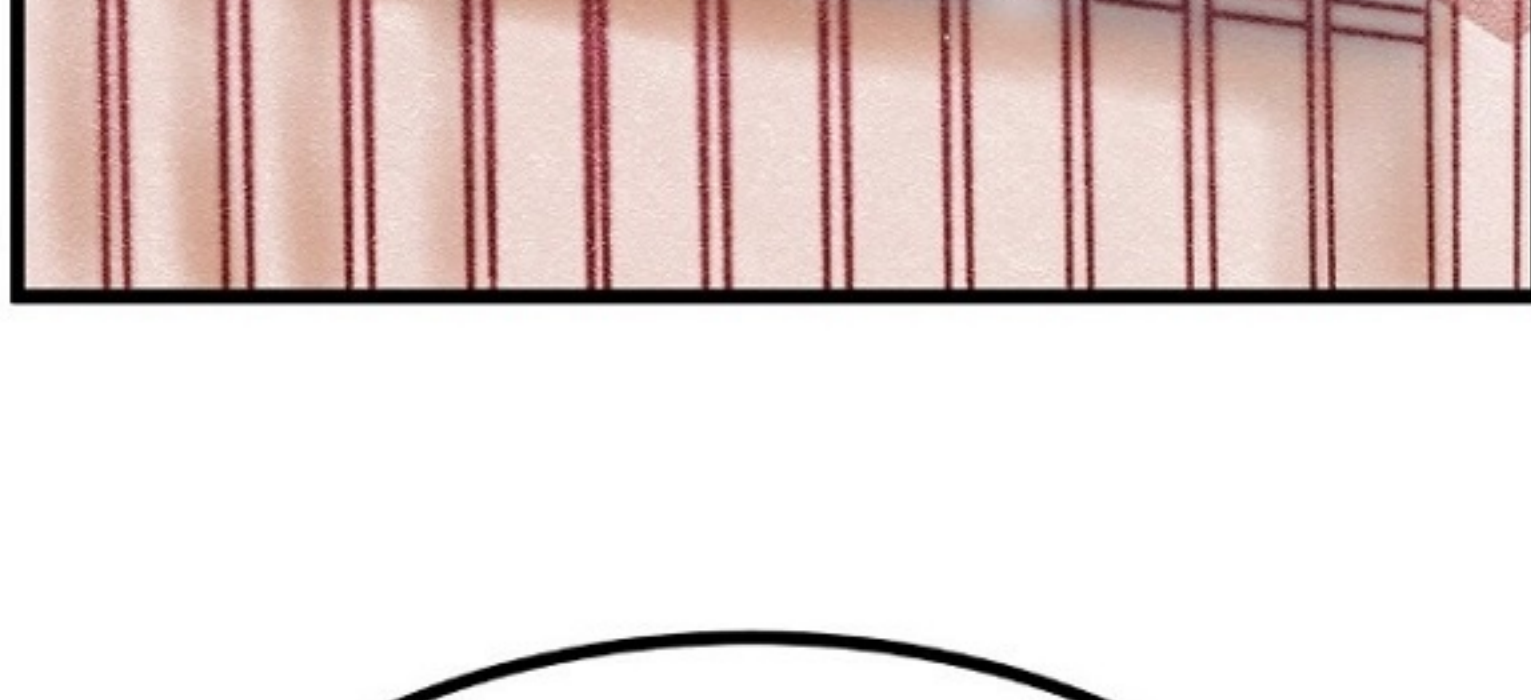


@FlaxenGuys

# 황제의 약혼녀로 산다는 것은

طراح: Chimpa  
 نویسنده: Saebyeon Yuseong  
 محصول: Orange Track

(23)



ایلا، آماده بشید!

همه می‌دونن صبح کلاس زبان اژدهای باستانی و بعد از ظهر کلاس جادوی تبسم و جادوی خلاقانه، درسته؟



طول موج اون جادویک قدرتی قوی ای داشته باشه...

تو هنوزم نمی‌دونی بهتره چند تا کارمند زیر دست داشته باشی.

نباید مسئله‌ای پیش بیاد.



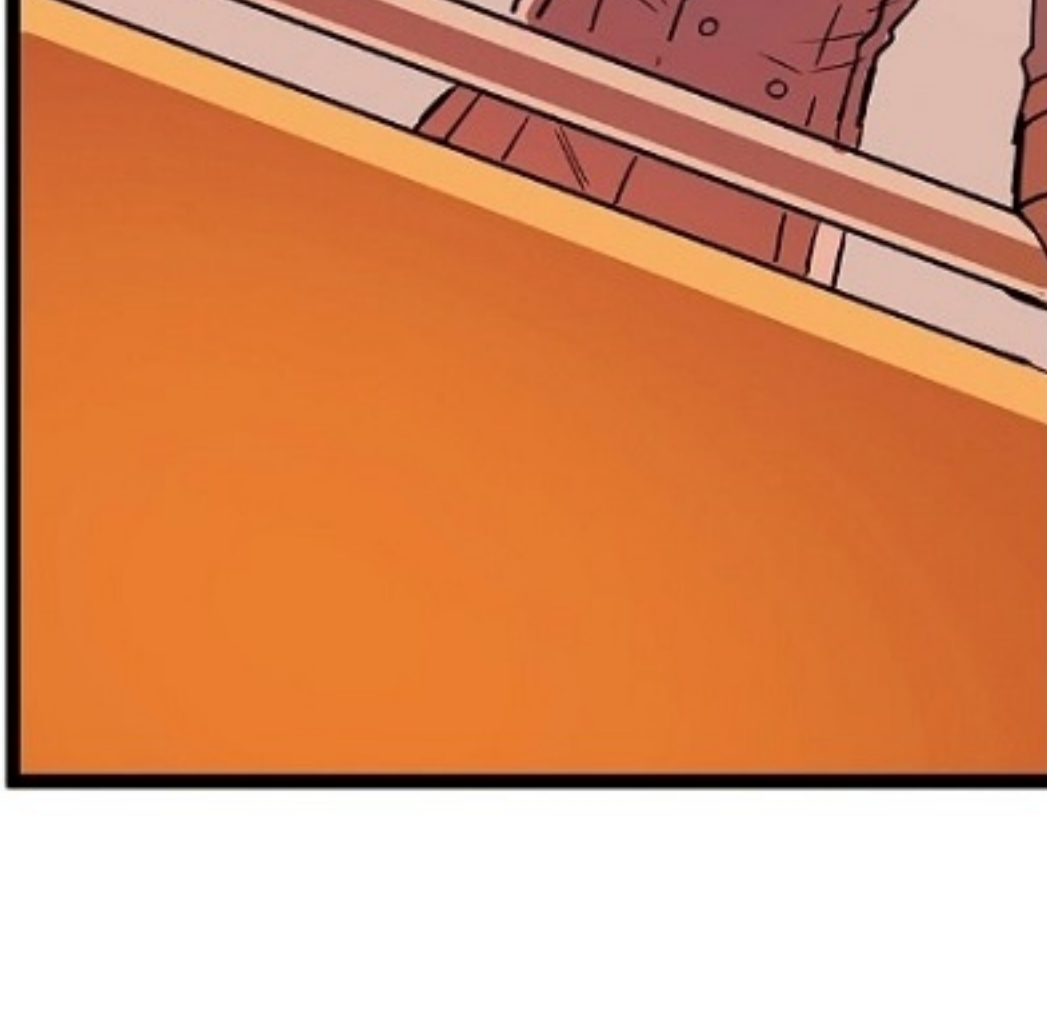
از قوانین پیروی کن.

کس دیگه‌ای مشکلی داره؟

نه، قربان!



چیزی که تو برای آزمون جادوی خلاقانه لازم داری، طمع. آگه طماعی، پس آماده‌ای.

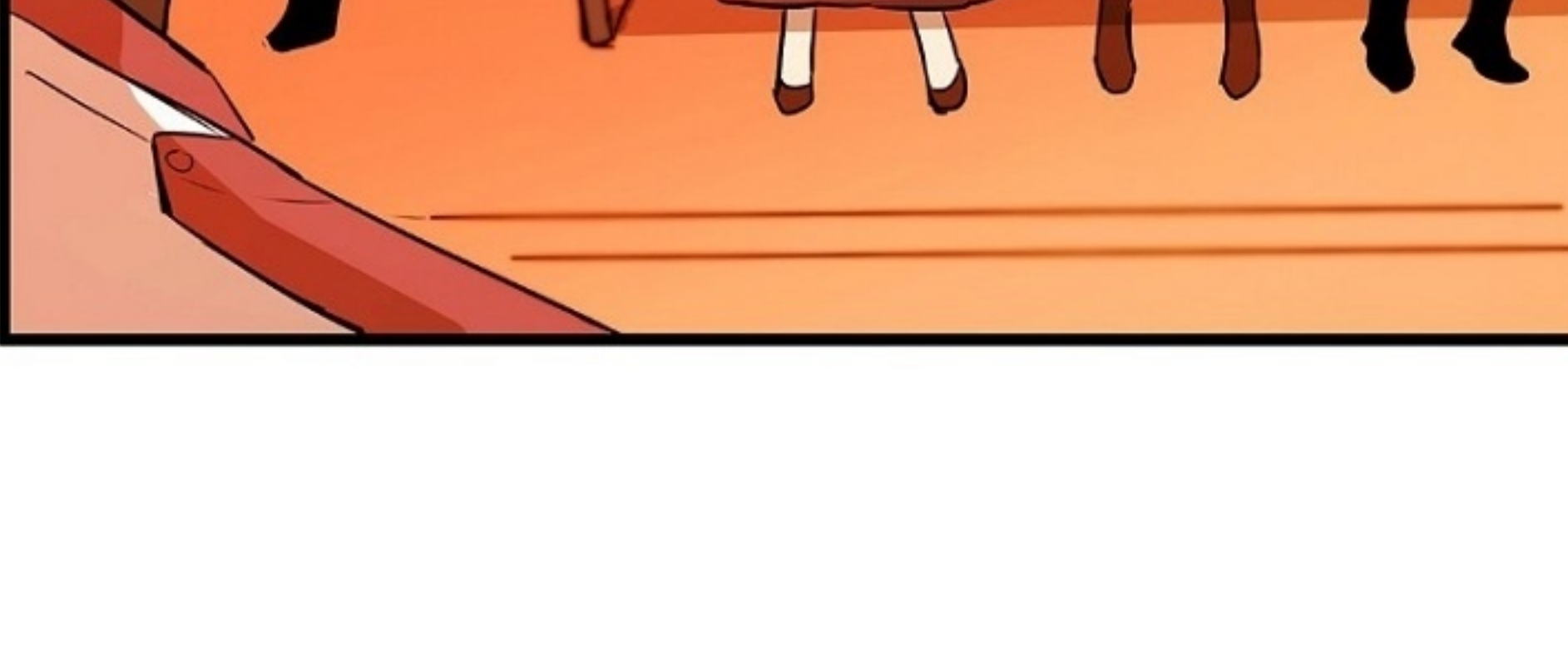


دانش آموزا رسیدن.



لطفاً اینجا منتظر بمونید.

به علاوه، نباید نازه‌کارا مشکلی داشته باشن. یه جادوگر رنجه سه و دو تا رنجه پنج.



داد، حس می‌کنم  
بهتر شدم. برای آزمون  
آماده‌ای؟

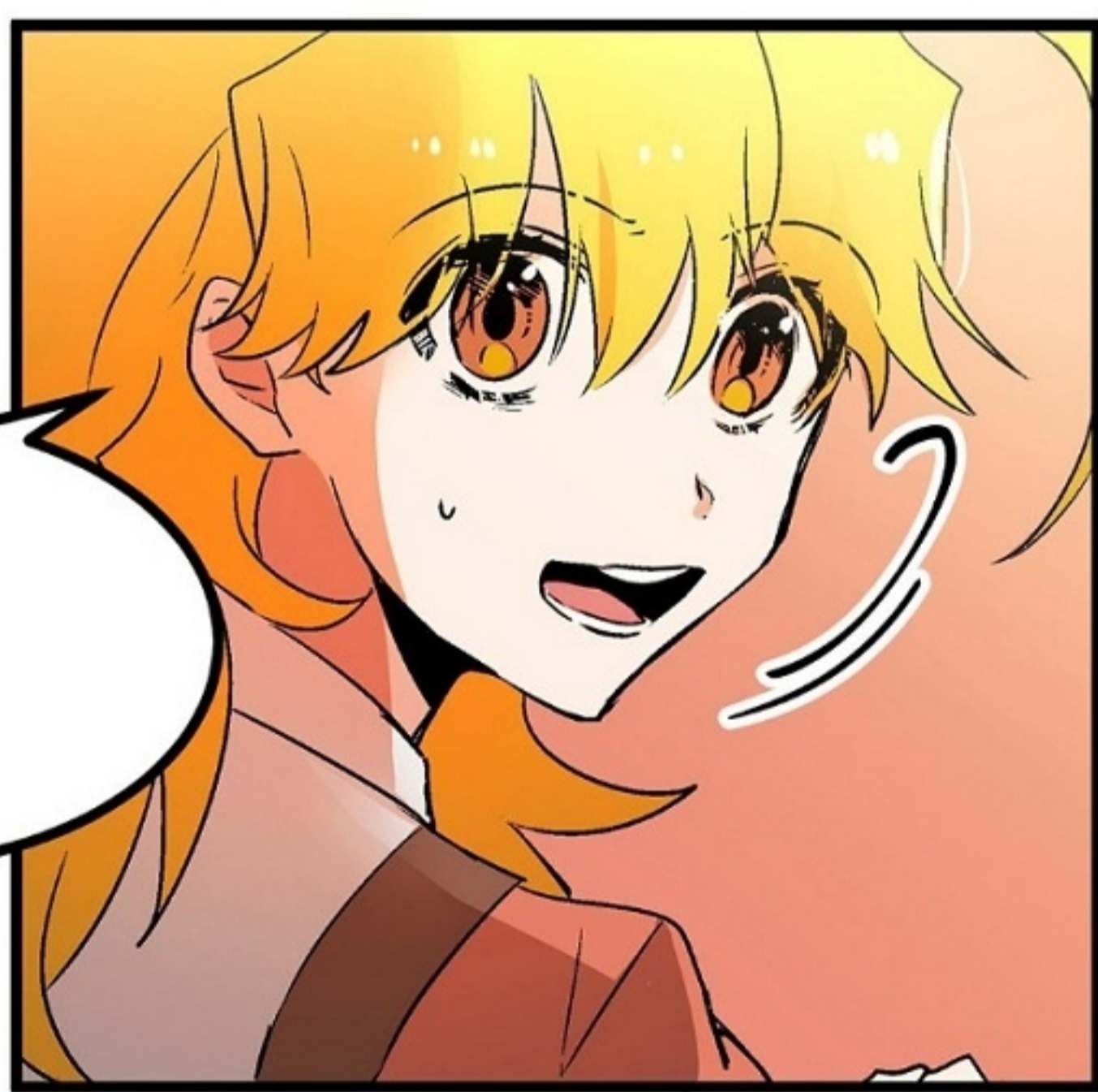


آره، آماده‌م.



تو واقعاً حالت خوبه؟

بله!

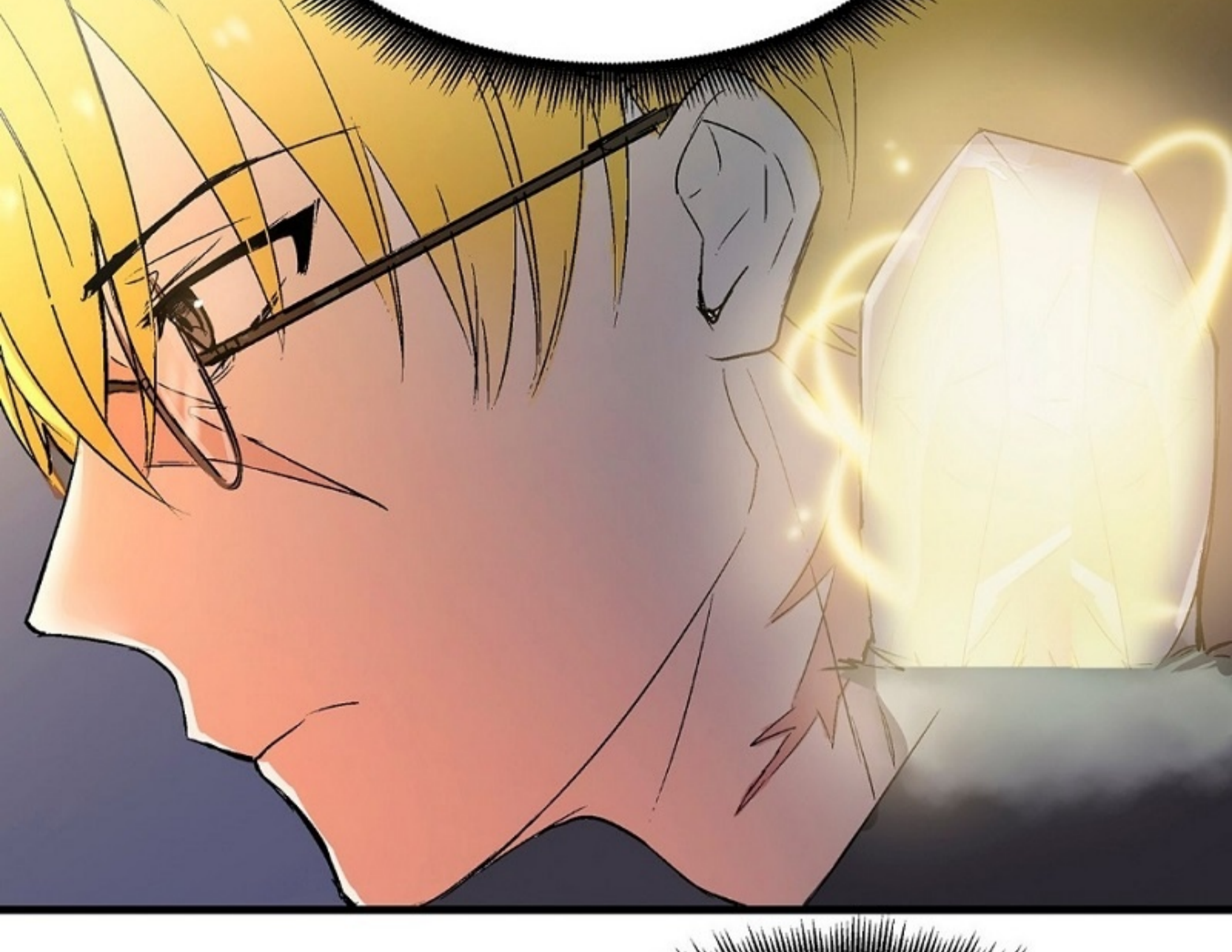


من نمی‌دونم اون  
طبیعیه یا نه...

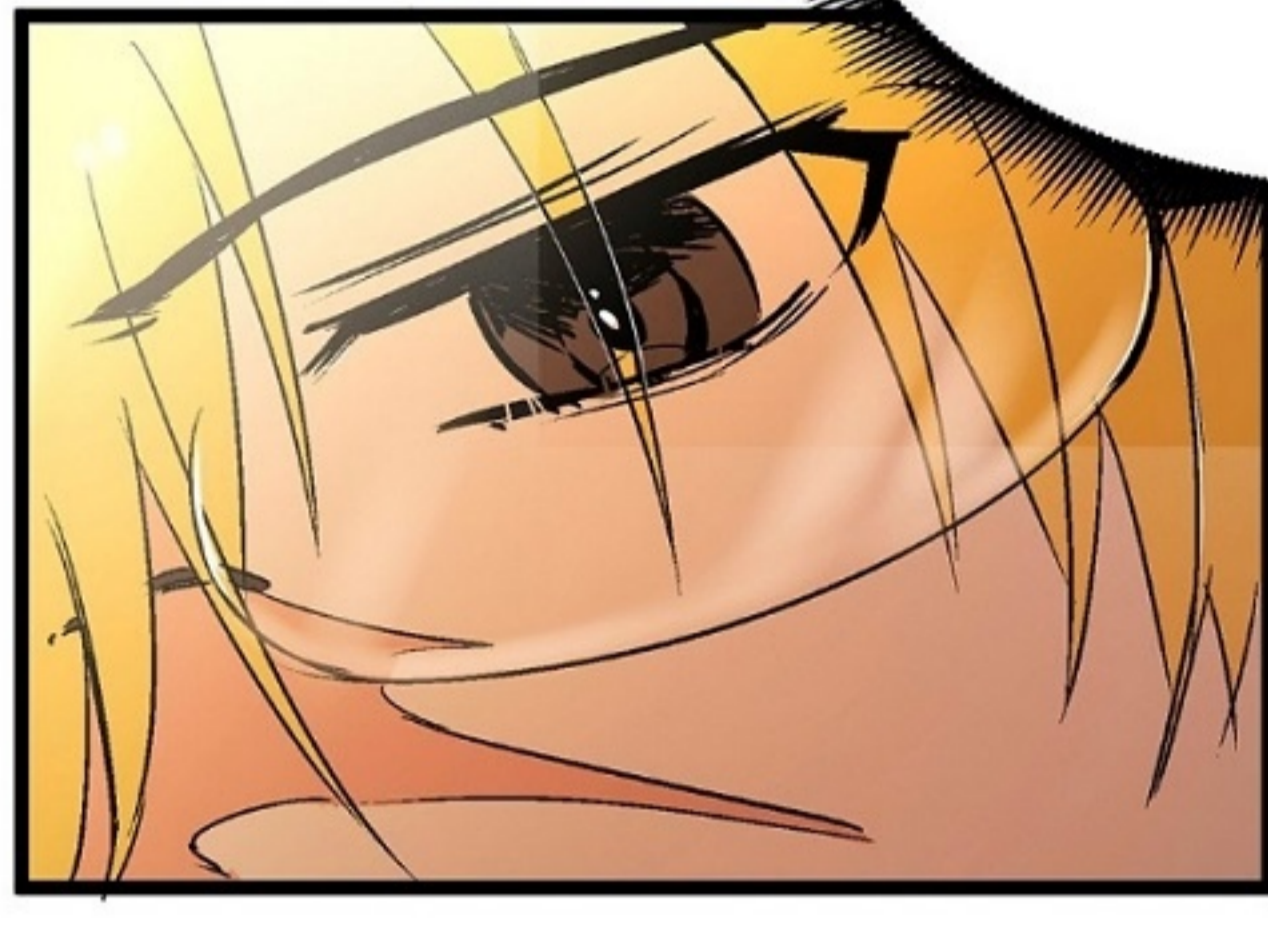


این واقعاً مسخره‌س،  
آریانا.

ولی چرا قلب  
استرانفورد همون طور  
که برای اعلیحضرت بود،  
واکش نشون داد؟



من با ۲۲ سال سن،  
تا حالا همچین چیزی  
ندیدم...



اون اولین کسیه که تو  
دفتر اعلیحضرت...

این چه فکراییه؟



باید دستورالعملا رو  
بگیرید.



اعلیحضرت هم میان،  
اما امروز طبق برنامه‌ی زمانی  
شما حاضر نمی‌شن.



آزمون‌ها ضبط می‌شن  
پس اعلیحضرت از اول آزمونو  
می‌بینن. نگران نباشید و  
فوب کار کنید.



دِرک، مشکلی پیش  
اومده؟

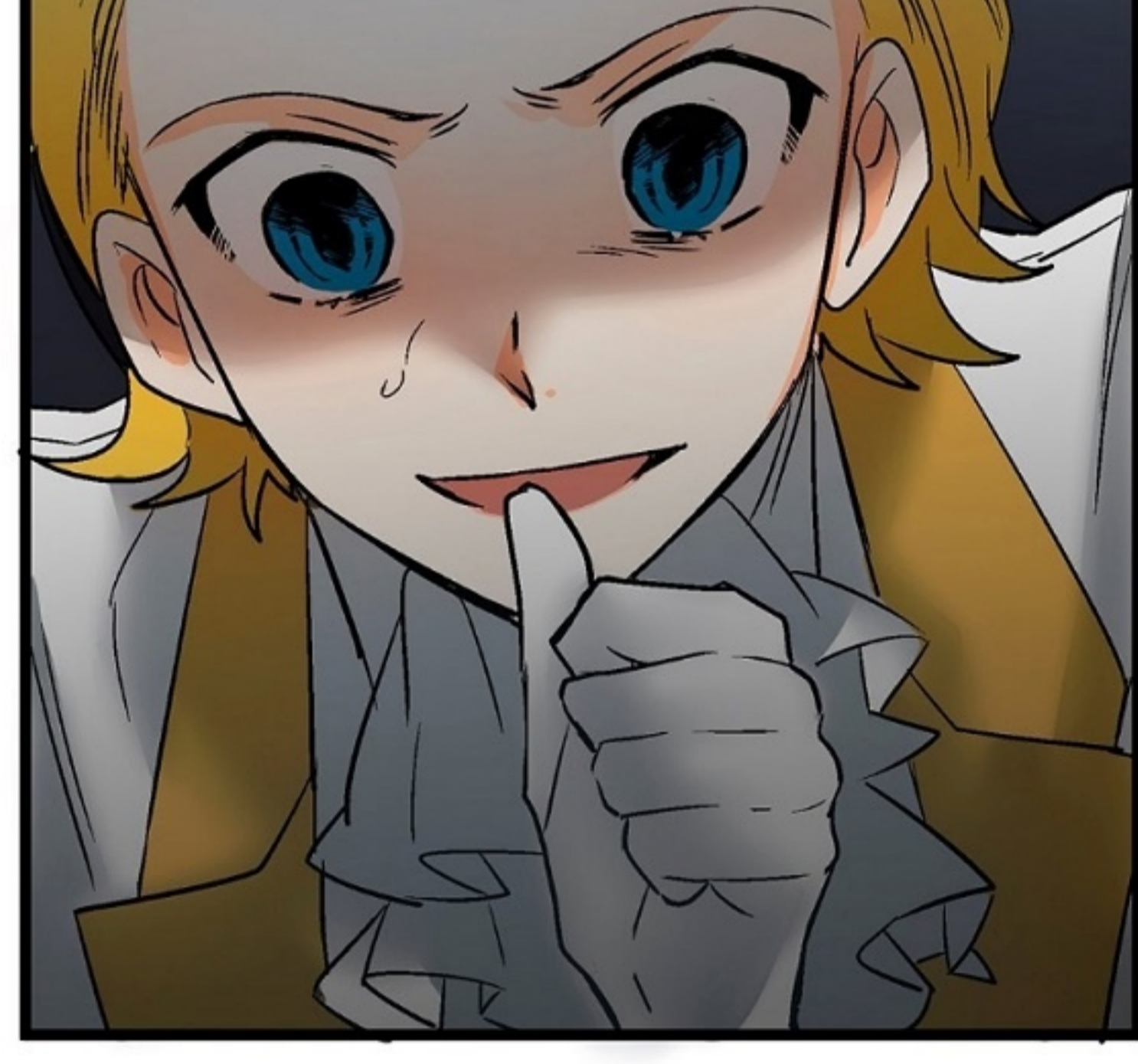


اون از خانواده‌ی  
چلمسفورده.

او\_اوه نه، من فقط  
یکم نگرانم.



اعلیحضرت می‌بینه.  
من "اون" جادو رو بهش  
نشون می‌دم.



فکر کردم اون آدم  
بی‌اخلاقیه، اما خوشحالم که  
از وقتی که اسمو گفتم،  
باعلام کنار اومده.



ده سال پیش یه سری قتلا  
سریالی اتفاق افتاد.

قارم

قارم

قارم-

اون طرف! گمش نکنید!

نوئل، صبر کن تا  
پشتیبانی برسه و بهشون  
بگی چی کار کنن.

\*Noel



پشم!

آئینہ!



فریاد

دارم میام!



الان چی کار کنم؟  
باید طبق دستور...



پہلے پہلے پہلے

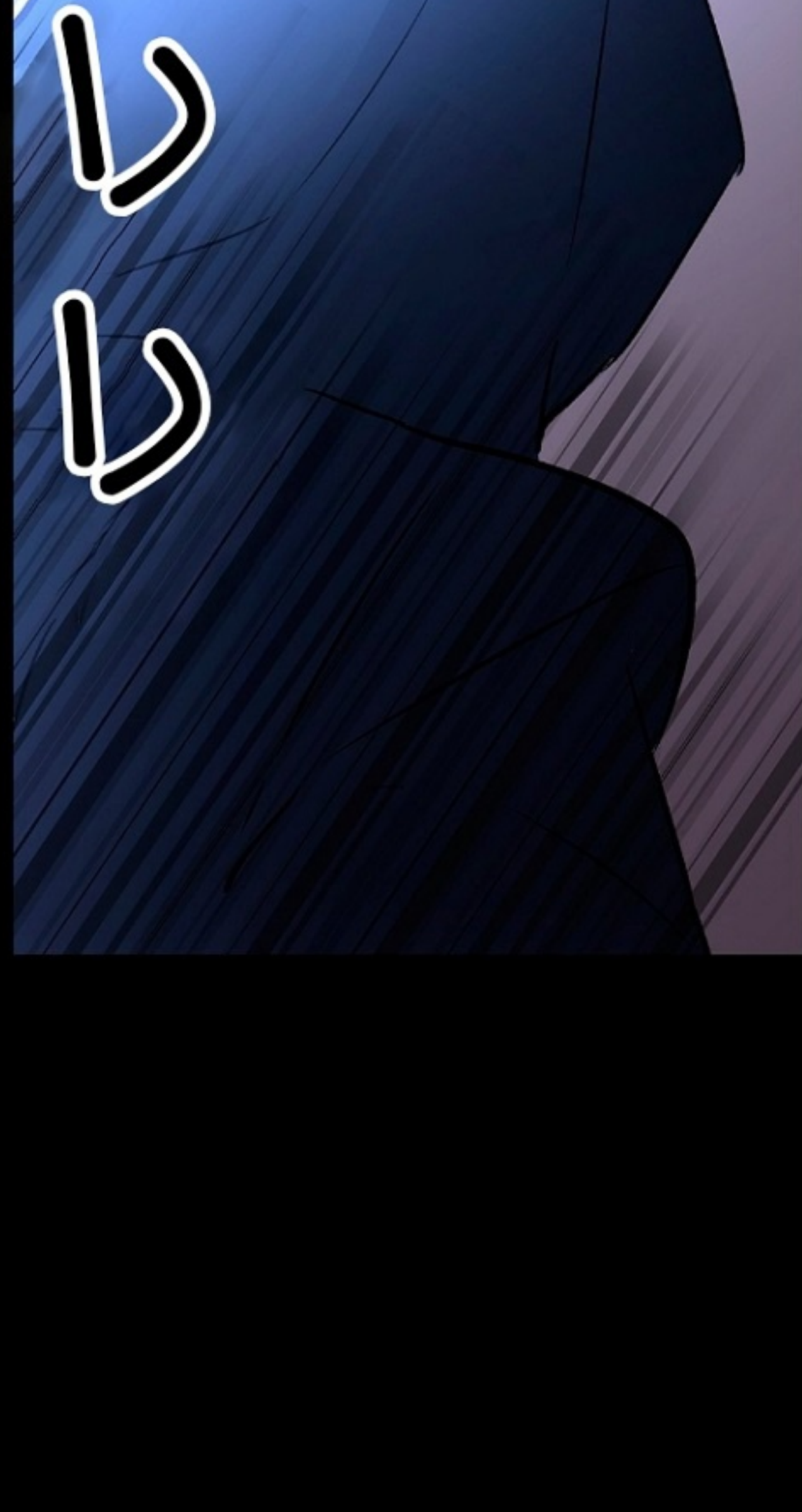


نوئل! پی شہ؟

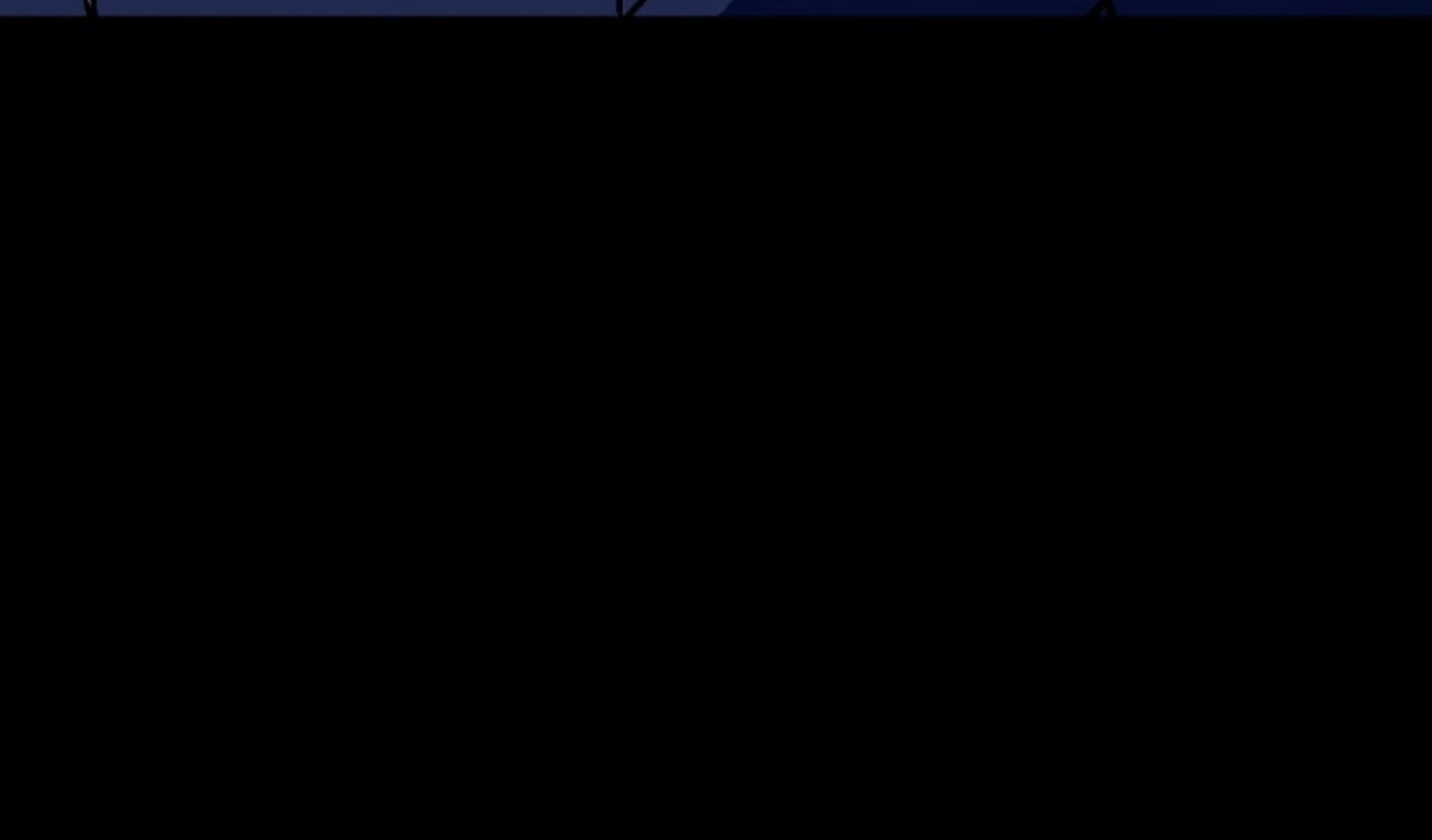


پہلے پہلے پہلے

لا



لا  
لا



سوی بلوند؟

منظورت اینه که قاتل یه جادوگر بوده، درسته؟



موهاش بلوندتر از یه جادوگر بود.



مزخرفه! نهی تونی یه داستان درست سرهم کنی؟

همه‌ی دوستات مردن، تو تنها کسی هستی که نجات پیدا کرده! اگه بلوند بوده یا جادوگر بوده یا یه رن؟



منظورت اینه که یه رن پنین قارتی داره؟

بگیریم... احتمالات ممکنو در نظر بگیریم



یه زنبیره‌ی قتل سریالی. مشخصه کار یه جادوگره!

رئیس می‌دونم که از دست دادن دوستات پقدر دردناکه، اما بیا منطقی فکر کنیم.

چاپیر



چاپیر

لعنتی! من که تنها نبودم، پس چرا...



بیشتر از چیزی که فکر می‌کردم پیش رفت...

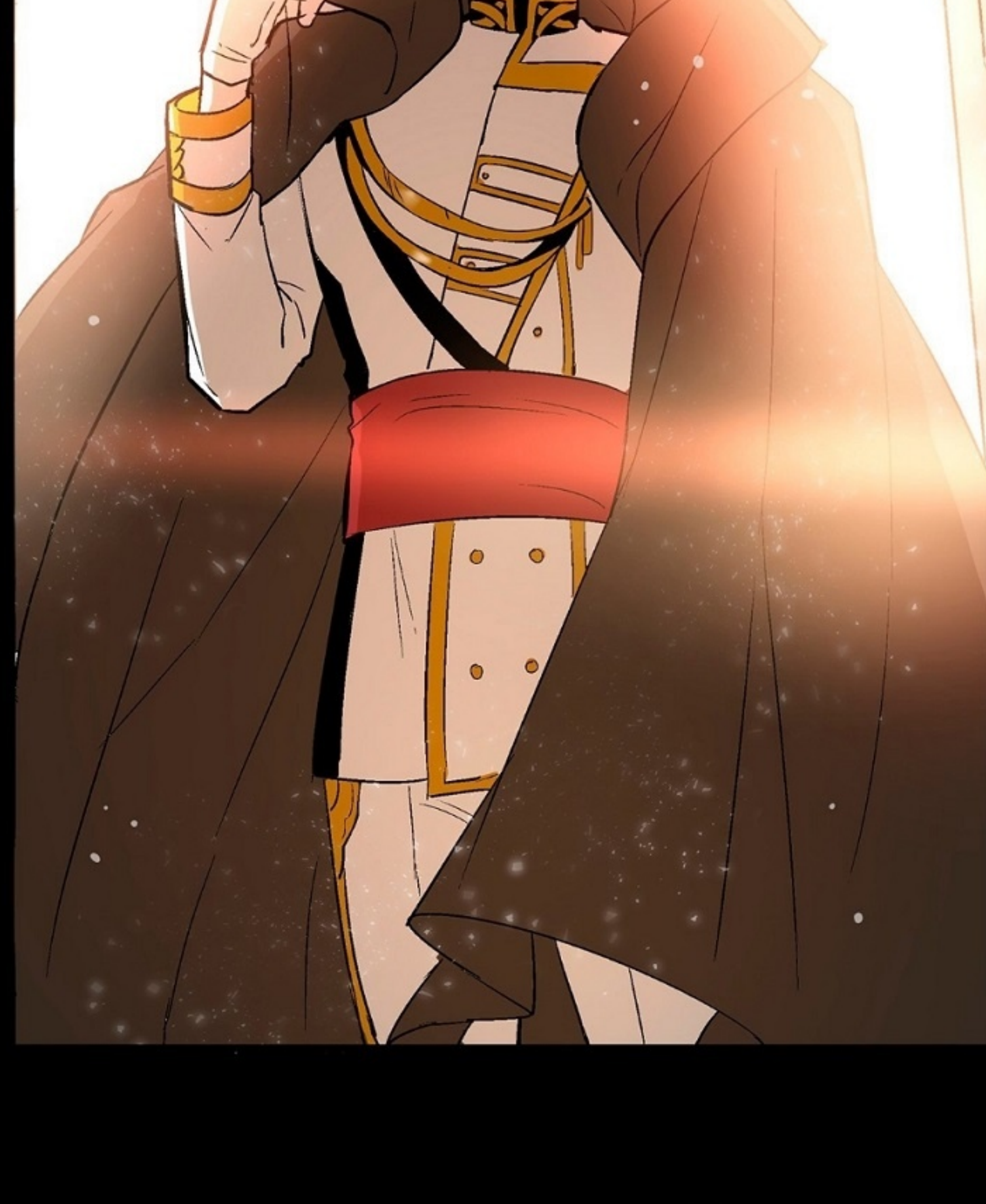


تارا

هیچ‌کس نمی‌فهمه اینجا مردم...

هی، نمی‌تونم بذارم  
اینجا بمیری.

تو از جادوگرایی وزارت  
سحر و جادویی؟



اعلیحضرت...



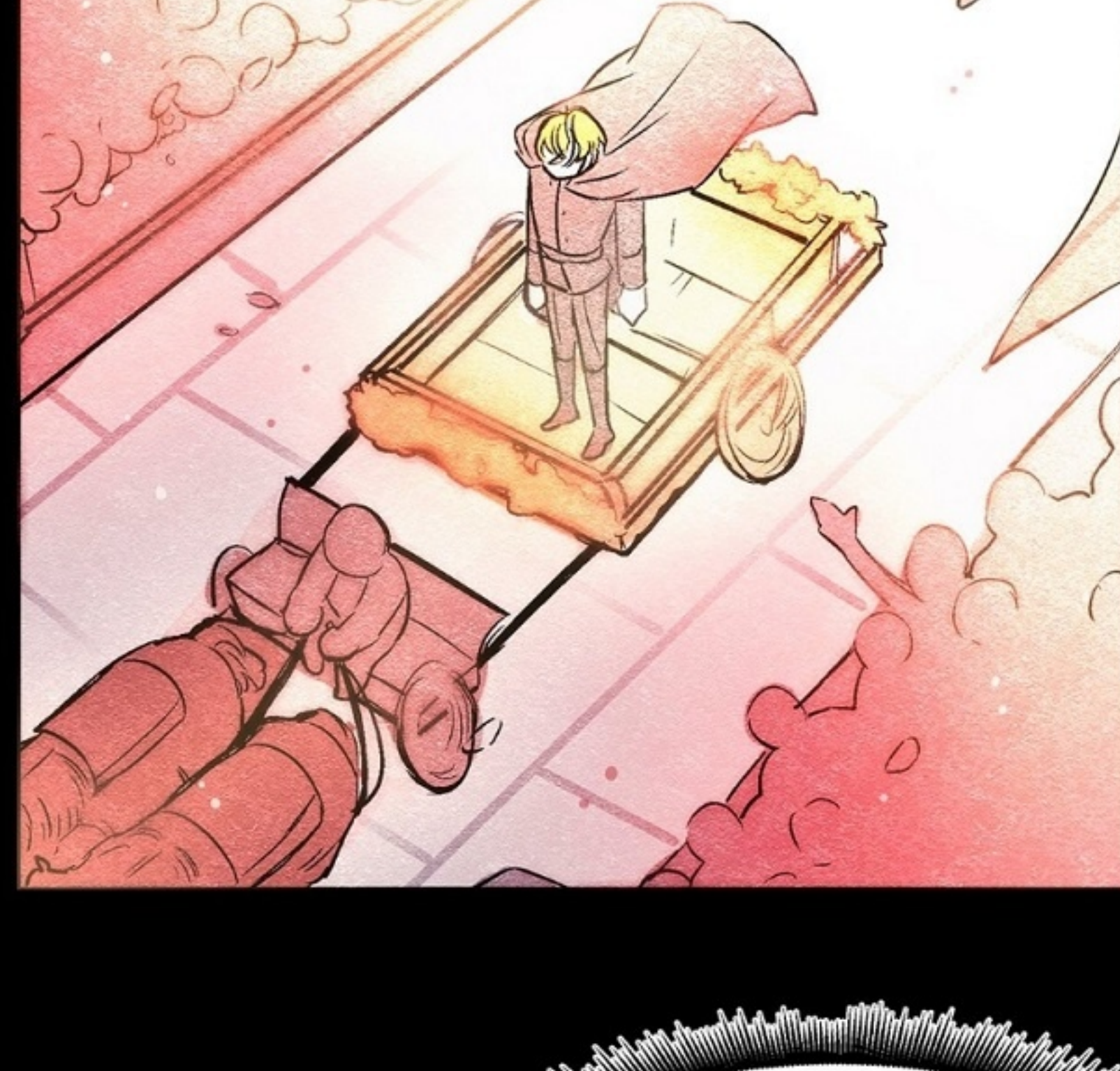
معذرت می‌خواهم. الان  
درمانت می‌کنم، ولی خودتم  
باید کمکم کنی.



بعد از اون،  
اعلیحضرت به حساب  
همه‌شون رسید.

ولی مردم فکر می‌کنن  
من نموم‌کننده‌ی زخم.

به لطف ایشون، من  
حتی لقب قهرمان آرن‌لو  
به دست آوردم...



هیچ‌کس نمی‌دونه  
اونا هنوز زنده‌ن.

ولی مثل موش نو  
نه افتادن.



چرا هنوز آماده  
نیستید؟

نمی‌شه زودتر دست به کار  
بشید و کارا رو انجام بدید؟ فکر  
نمی‌کنم امروز نیازی به کارای  
اداری داخلی داشته باشیم.

متاسفم. به هر حال  
به خاطر نشست وزیر...

اون تعطیلاته...

کی گفته اعلیحضرت  
تو موذ خوبیه؟

بی بی بی

قوز بالا  
قوز

بی بی بی

بذار اول کارای بودجه  
رو انجام بدیم.

به نظر میومد از چند  
روز پیش منتظر امروز  
بود...

وقتی فهمید برای آزمون  
جادو دیر می‌کنه، خلقش  
سریع خراب شد.



هارولد، ادل زود یاد می‌گیره.  
هفته‌ی بعد جادوهای بیشتری یاد  
می‌گیریم.

می‌ترسم اعلیحضرت بیشتر  
از چیزی که فکر می‌کنم، به ادل  
اهمیت بده.

اون فقط یه طعمه‌س،  
این اعصاب خردکنه.

فیلی دیر شده،

ولی قبل از چیزی که  
فکر می‌کردم تموم شد. پس  
یه چیزی بفروریم و بریم.

فانم ادل این مدت  
تو بایگانی کار می‌کردی.



چرا؟



به نظر میاد معاون وزیر، کبالت  
ارزش استفاده می‌کرده.



چرا تا الان چیزی  
بهم نگفتی؟

فکر نمی‌کردم اهمیت  
زیادی داشته باشه. به هر حال  
اون فقط یه طعمه‌س؟



شما نمی‌تونین  
جلوی اتفاقی که افتاده  
رو بگیرین.

یه جورایی فکر  
می‌کردم برات سخت نیست  
که تو وزارت سحر و جادو  
آموزش ببینه.



حالا هر چی،  
فقط می‌خوام سریع  
بریم اونجا.

# بیم

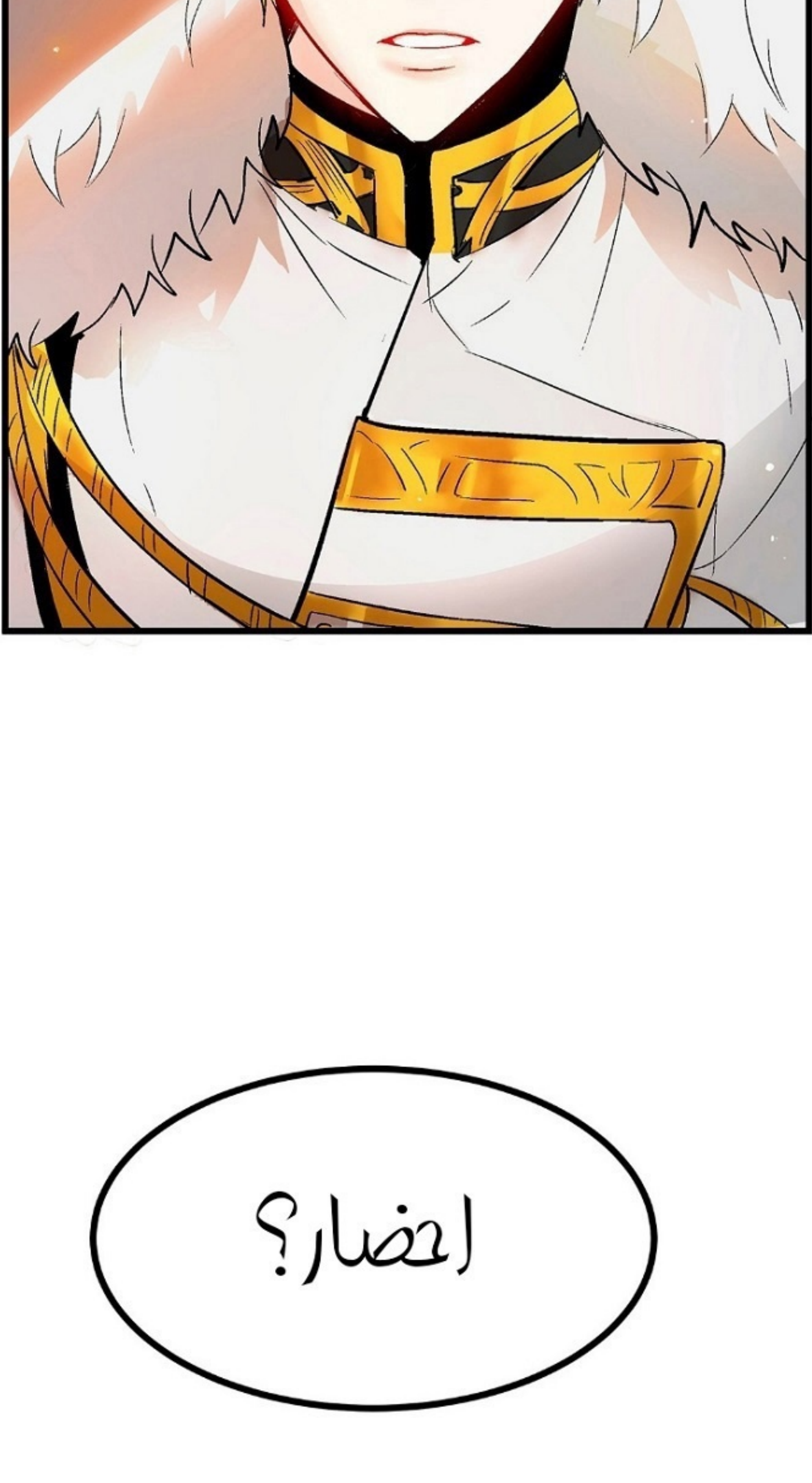
خرد شدن -



این...؟



اوه، فدای من...



اضرار؟

سلام. ویراستار هستم.

خب خب! مسئله اینه که تو اطمینان بعضی اسم‌ها اصلاحیه  
خوردن و ما هم به تبع اون باید چند تا اسم رو با درستش  
جایگزین کنیم:

ادل ← آدل

نواه ← نونل

ولی تصمیم گرفتیم اسم ادل همچون ادل باقی بمونه.  
امیدوارم شما فلک‌نازای عزیز مثل ما که خیلی رو مضمون نباشید  
و با این مسئله‌ی تغییر اسم مشکل نداشته باشید. 🌸

